

آینده پژوهی مهدوی بحران سیاسی-امنیتی عراق و تأثیر آن بر امنیت ایران قبل ظهور

مصطفی امیری^{۱*}

محمد حسن دهقان^۲

محمد مولایی^۳

سید محمد جواد سیدی فرد^۴

چکیده

مسئله اصلی پژوهش حاضر، تبیین و تحلیل سیاسی - حدیثی «سناریوی آینده عراق» با نگاه آینده پژوهانه است. این مقاله با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر، می‌کوشد وقایع پرآشوب عراق را ترسیم نماید که فتنه در مناطق سنی نشین و تأثیر منفی آن بر امنیت ایران، نمونه بارز آن خواهد بود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، سناریوی که برای عراق، متصور است: عراق واحد اما ضعیف که هرچند حکومت در اختیار شیعیان است اما خود نیز دچار اختلاف و تشتت هستند و به دلیل نفوذ جریان مخالف و ضعف حکومت مرکزی در اثر اختلاف و فتنه در عراق به ویژه فتنه در مناطق شیعی عراق آن‌گاه با سوءاستفاده از خلاء حکومت مرکزی، سیاسیون و نظامیان اهل سنت عراق در بخش‌هایی از مناطق سنی نشین ایده تجزیه عراق را دنبال خواهند کرد و بر مناطقی همچون موصل و تکریت نیز مسلط خواهند شد. که در واقع تلاش دشمن برای ایجاد «اقلیم سنی» و به هدف تجزیه عراق و نیز قطع ارتباط مواصلاتی محور مقاومت شیعی با منطقه شام و عدم دسترسی به فلسطین قبل از ظهور، قلمداد می‌شود. **واژه‌های کلیدی:** آینده پژوهی، مهدویت، تجزیه عراق، سوریه، فتنه عوف سلمی.

۱. * دانشجوی دکتری دانشگاه معارف، (نویسنده مسئول) mostafaamiri1361@gmail.com

۲. دکتری مدیریت آینده پژوهی، دانشگاه عالی دفاع ملی deghghanjamali@gmail.com

۳. دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی molaie57@gmail.com

۴. دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه خوارزمی تهران velayateeshgh63@yahoo.com

مقدمه

چند کانون مرکزی در تحولات و حوادث قبل از ظهور و آینده جهان، وجود دارد که شناخت و رصد کردن تحولات مربوط به آنها از اهمیت زیادی برخوردار است و می‌تواند ما را در تحلیل درست رویدادها و مباحث مرتبط با آخرالزمان و ظهور امام زمان (ع) در علم آینده پژوهی، یاری دهد. این کانون‌های مرکزی عبارت است از: منطقه شام (سوریه)، ایران، عراق، فلسطین و عربستان؛ کشورهای مذکور در جغرافیای ظهور و در مثلث مکه - کوفه - قدس، مرکز تحولات و رویدادهای مهمی خواهند بود و در آینده این کشورها، قبل از ظهور، اتفاقاتی بسیار سریع و شگفت‌آور رخ خواهد داد که تأثیرات مهمی بر امنیت منطقه‌ای و حتی جهانی خواهند گذاشت. بنابراین دیده‌بانی سیاسی و نظامی «کشورهای نقش‌آفرین در تحولات فرایند ظهور»، در هر برهه‌ای از زمان، می‌تواند اهمیت استراتژیک و آینده پژوهانه مهدوی، داشته باشد.

لازم به ذکر است «آینده پژوهی مهدوی» عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آینده با رویکرد دینی و درباره موضوعات و پدیده‌های مختلف که امکان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبرانه آن‌ها در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد و موجب حرکت به سمت جامعه آرمانی و برنامه‌ریزی مناسب در راستای چشم‌انداز در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی می‌شود. در واقع آینده پژوهی مهدوی، به ما کمک می‌کند تا از سطح مقدماتی فراتر رفته و وارد سطح مؤثر و استراتژیک شویم و نقش خود را در زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدوی براساس رصد کردن تحولات محتمل جهانی به‌ویژه در جغرافیای ظهور و مثلث کوفه، مکه و قدس بهتر ایفا کنیم (کارگر، ۱۳۸۸: ۷۸). پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراش مهدوی و محور قرار دادن گزارش‌ها درباره فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی، امکان وقوع آنها را در جغرافیای کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور را رصد می‌کند و اذهان را متوجه رویدادهای تأثیرگذار در آینده می‌نماید و جامعه منتظر را برای مقابله با آنها آماده می‌سازد (قربانی، ۱۳۹۵: ۷۱) و جامعه منتظر را از غفلت درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان امام مهدی آگاه می‌سازد (آیتی، ۱۳۹۰: ۷۷) و از آنجا که آینده پژوهی مهدوی مبتنی بر قوانین و سنن تخلف‌ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود (پورعزت، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

بیان مسئله

در این نوشتار، فتنه مناطق سنی نشین در عراق قبل از ظهور تبیین و تحلیل خواهد شد؛ ضمن این‌که تلاش و کوشش شده است با توجه به تنش‌ها و گسل‌های متعدد مذهبی و قومیتی در عراق، از حوادث پیچیده عراق قبل از ظهور، مهم‌ترین آنها یعنی چرایی حمله سفیانی (حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور) به عراق، تحلیل و بررسی شود و از واکنش جبهه مقاومت شیعی و زمینه‌سازان ظهور، نیز سخن به میان آمده است. در واقع به این سؤال پاسخ داده شده است: سناریوی آینده عراق قبل از ظهور چگونه است؟ همچنین نتیجه تحلیل سیاسی با سناریوی آینده پژوهی مهدوی، مقایسه و نقاط اشتراک و افتراق برجسته شده است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

استعمار نوین، توافق سایکس پیکو^۱ و نقشه فعلی خاورمیانه را که بعد از سقوط عثمانی ایجاد گردید، ناکافی می‌داند (www.washingtonpost.com) و درصد طراحی جدید و بالکانیزاسیون کشورهای خاورمیانه^۲ است که در برخی از منابع آکادمیک به آن «دکترین گالیوریسم خاورمیانه» هم گفته می‌شود و قرار است در این طرح، رژیم غاصب صهیونیستی به اصطلاح گالیور و بزرگ منطقه خاورمیانه باشد^۳ (www.mshrg.org). این طرح که در نزد استراتژیست‌های یهود نیز از آن به «طرح ینون اسرائیل»^۴ یاد می‌شود، یک طرح راهبردی صهیونیستی برای تضمین برتری منطقه‌ای رژیم غاصب صهیونیستی نیز است. این طرح^۵ بر این مسئله تأکید دارد که رژیم غاصب صهیونیستی باید به محیط ژئوپلیتیکی خود از طریق بالکانیزاسیون کشورهای عربی اطراف و تجزیه آن‌ها به کشورهای خردتر و ضعیف‌تر،

1. Sykes-Picot Agreement

2. Balkanize the Middle East

۳. طبق دکترین گالیوریسم، خاورمیانه همان سرزمین 'الی‌لی‌پوت' است که باید کشورهای ایران، مصر، عربستان، سوریه، عراق، تجزیه و قطعه قطعه شوند و آنگاه تنها گالیور منطقه، رژیم اسرائیل خواهد بود (ر.ک: از دکترین گالیوریسم تا خاورمیانه اسلام، مشرق نیوز، کد خبر: ۲۵۰۶۹۶).

4. Yinon Plan

۵. طرح ینون، طرحی است که «عودید ینون» در فوریه سال ۱۹۸۲ مطرح کرد. این طرح از آنجا که در مجله «کیفونیم»، مجله رسمی سازمان جهانی صهیونیسم منتشر شد، به طرح «کیفونیم» نیز مشهور شده است (ر.ک: رویکرد رژیم صهیونیستی به عراق، خبرگزاری فارس، کد خبر: ۱۳۹۳۱۱۰۴۰۰۲۵۷، (www.farsnews.com)؛ البته اسرائیل فقط به طرح ینون بسنده نکرد و طرح‌های تکمیلی جدیدی برای تجزیه منطقه خاورمیانه ارایه کرده است. در حال حاضر، طرحی جدیدتر که مکمل طرح ینون می‌باشد، در منطقه خاورمیانه در حال اجراست. این طرح، «تجزیه تمیز (Clean Break)» نام دارد (ر.ک: وثیقه «Clean Break» المطورة والخطأ السوري الممیت، الشرق الاوسط، (bit.ly))

چینش دوباره‌ای بدهد (www.bit.ly). پروژه موسوم به خاورمیانه جدید بخشی از برنامه‌ای بزرگ‌تر به نام طرحی برای یک قرن جدید آمریکایی^۱ می‌باشد که به باور کارشناسان به منزله مانیفست آمریکا برای آینده جهان تلقی می‌شود (www.infowars.com). در این پروژه، تجزیه غرب آسیا و شمال آفریقا و به نوعی پروژه تجزیه جهان اسلام، اهمیت ویژه‌ای دارد و آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی در صدد اجرای آن هستند و در طول سال‌های اخیر نیز با پیاده کردن دو تاکتیک اصلی این طرح، یعنی تجزیه برپایه «مذهب» و «قومیت» به طور جدی در حال اجرای این پروژه در خاورمیانه^۲ بوده‌اند. در طرح خاورمیانه جدید که مهم‌ترین طرح آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی در منطقه است، در گام اول در پی تجزیه عراق و سوریه است و مهم‌ترین ابزار اجرایی طرح تقسیم در این دو کشور، استفاده از دو عنصر «قومیت» و «مذهب» است تا با اجرای فدرالیسم این کشورها را به سه بخش شیعه‌نشین، سنی‌نشین و کردنشین تقسیم کند. آمریکایی‌ها بر این باورند، این طرح در منطقه کردستان عراق، اجرا شده و هم اکنون باید در دو بخش دیگر عراق، فوراً عملیاتی شود. به همین دلیل عراق، کانون بالکانیزاسیون خاورمیانه و جهان عرب محسوب می‌شود^۳ که دومینوی تجزیه دیگر کشورها را به دنبال خواهد داشت (خسروی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). بنابراین اهمیت پژوهش از آن جهت است که با شناسایی مسائل و چالش‌های امنیتی عراق در دوران قبل از هور، سناریوی محتمل در فرایندهای بحران عراق و اثر آن بر امنیت ملی ایران، بررسی خواهد شد و این تحقیق از آن جهت ضروری است که چنانچه این مسائل بررسی نشود، عملاً در حوزه کشف بحران امنیتی برپایه مبانی مهدویت، چالش‌ها و تهدیدها، شناسایی و قابل بررسی نخواهند بود.

روش تحقیق

این نوشتار، پژوهش کیفی بوده و با روش کتابخانه‌ای و رویکرد توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع معتبر دینی، به تبیین نقش آینده‌پژوهی مهدوی در ارزیابی و تحلیل وقایع پراشوب عراق و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران می‌پردازد.

۱. Project for a New American Century

۲. خاورمیانه (Middle East) زادگاه ادیان اسلام، یهودیت و مسیحیت، منطقه‌ای است که سرزمین‌ها و کشورهای میان دریای مدیترانه و خلیج فارس را شامل می‌شود و حساس‌ترین منطقه جهان از نظر تمدنی، انرژی، اقتصادی و سیاسی است (ر.ک: نقیب‌زاده، نظریه‌های کلان و روابط بین الملل، ص ۱۵۶).

۳. «دیک چنی» از معروف‌ترین استراتژیست‌های آمریکا در اهمیت تجزیه عراق، عنوان می‌کند: راه خاورمیانه جدید از عراق می‌گذرد (ر.ک: از دکترین گالیوریسم تا خاورمیانه اسلام، مشرق نیوز، کد خبر: ۲۵۰۶۹۶، (www.mshgrgh.ir)).

سؤالات تحقیق

در مقالات علمی اساتید ایرانی مقیم خارج، از طرح رژیم غاصب صهیونیستی برای تجزیه عراق و سوریه و خطرهای آن برای امنیت ملی ایران رمزگشایی شده است (www.news.gooya.com). اما با این حال و در کمال تعجب، هنوز در برخی محافل آکادمیک ایرانی داخل کشور، ایده تشکیل اقلیم شیعی در عراق به شدت تبلیغ می شود و اینگونه وانمود می کنند: شیعیان از خود می پرسند نزدیک به صدسال استقلال عراق، چه سودی برای ما شیعیان داشته است؟ جز این که در ایام پادشاهی مورد ستم سنی ها بودیم و در دوران حزب بعث و حکومت صدام نیز در صف اول اعدام ها و جنگ ها قرار می گرفتیم و اکنون هم که حق خود را از حکومت گرفته ایم اما کشورهای دیگر با تشکیل جریان های سلفی تکفیری اهل سنت تلاش می کنند خون ما را بریزند و مناطق شیعی را ناامن کنند؛ بنابراین تشکیل اقلیم شیعی در عراق، ضروری به نظر می رسد (www.bit.ly).

هرچند برخی مقالات آکادمیک دانشگاهی ضمن بیان چالش ها و فرصت های فدرالیسم عراق، عنوان می کنند: ایران، می تواند تهدیدها و چالش های تشکیل اقلیم های سنی و کُرد در عراق را به فرصت تبدیل کند اما باید توجه داشت آمریکا، ترکیه، عربستان و دولت های عربی حاشیه خلیج فارس، اهداف و منافع خود را در ایجاد اقلیم سنی نشین در عراق دنبال می کنند و در حقیقت، کفه ترازو به ضرر شیعیان منطقه پیش خواهد رفت (عزتی، ۱۳۹۰: ۲۰) ..

در برخی محافل نیز با نگاه صرفاً اقتصادی بدون توجه به واقعیت ها، به گونه ای تبلیغ می شود که با تجزیه عراق و تشکیل اقلیم شیعی، تمام ارتباطات عراق با دریاها و آزاد را شیعیان در دست خواهند گرفت. اما اقلیم سنی، منطقه ای ایزوله و در محاصره خواهد بود؛ همچنین به دلیل قرار گرفتن غالب منابع نفتی و آبی عراق در مناطق جنوب عراق، شیعه بیشترین سود را از تجزیه عراق را کسب خواهد کرد. و در مقابل اقلیم سنی، به دلیل بیابانی بودن مناطق وسیعی از این اقلیم همچون منطقه الانبار، بیشترین ضرر را متحمل می شود.

حال، آیا پروژه تجزیه عراق، صرفاً به این مباحث ختم می شود و یا باید با نگاه کلان و راهبردی به پروژه تجزیه منطقه و عراق نگریست؟

آیا باید با نگاه به گذشته، سرنوشت آینده را رقم زد یا اینکه طرح تجزیه عراق، تنها یک بحث صرفاً سیاسی نیست بلکه ریشه در مباحث ایدئولوژیک و در راستای تحقق ارض موعود یهود صهیونیسم از نیل تا فرات، می باشد؟^۱ (قنبری، ۱۳۸۶: ۲۸).

چه سناریوی برای آینده عراق، متصور است: فدرالیسم، تجزیه یا عراق واحد؟ کدام طرح به نفع شیعه عراق خواهد بود؟ کدام طرح، به جبهه مقاومت شیعی در منطقه خاورمیانه، کمک شایانی خواهد کرد؟ و در صورت تشکیل اقلیم سنی در عراق، سرنوشت محور مواصلاتی محور مقاومت از ایران تا فلسطین که توسط دشمنان در غرب عراق قطع می شود، چگونه خواهد شد؟

اهداف نقشه آمریکا، ترکیه و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس برای تقسیم عراق و تبدیل آن به سه اقلیم گرد، شیعه، اهل سنت و نیز پیامدهای خطرناک تجزیه عراق چیست؟

کشورهای ذینفع و متضرر در تشکیل اقلیم سنی در عراق

در کشور عراق پس از سقوط صدام، فدرالیسم به مثابه یکی از تمهیدات ائتلاف بین المللی به رهبری ایالات متحده آمریکا مدنظر قرار گرفت، اما فدرالیسم فقط در اقلیم کردستان پیاده شد و در مناطق شیعی و سنی عراق اجرا نشد (زارع مهرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶۹). در برخی ژورنال های علمی و مجلات پژوهشی، تجزیه و تقسیم عراق به سه اقلیم را به نفع شیعه عراق می دانند و بیان می کنند: تجزیه عراق، چون موجب به خطر افتادن منافع کشورهای عربی، ترکیه و آمریکا خواهد شد و از این رو با آن مخالف هستند بلکه منافع آمریکا، ترکیه و کشورهای عربی، ایجاب می کند از تجزیه عراق جلوگیری کنند (اسلامی، ۱۳۹۳: ۲۸) و حتی عربستان نیز با فدرالیسم عراق مخالف است و به نوعی تظاهر می کنند که خواسته آمریکا و عربستان، همان خواسته ایران مبنی بر جلوگیری از تجزیه عراق است (www.bit.ly)، حتی پا را فراتر گذاشته، برنده واقعی تجزیه عراق را فقط ایران معرفی می کنند (به عنوان نمونه، دیوید پاتریکاراکس - دانشیار دانشکده دانشگاه

۱. آمریکا تاسیس یک دولت یهودی و حمایت از اسرائیل را فریضه ای سیاسی می داند و تاکنون دولت آمریکا با اتحاد راهبردهای نظامی و سیاسی مختلف در خاورمیانه، طرح هایی را در راستای حمایت از اسرائیل اجرا نموده است از جمله انتقال فناوری های پیشرفته نظامی، حمایت از پایتختی قدس برای رژیم اسرائیل و الحاق جولان از جمله حمایت های دولت ترامپ در آمریکا از اسرائیل به شمار می آید (قربانی، ۱۳۹۵: ۶).

سنت اندروز و نامزد دریافت جایزه کتاب روابط بین الملل - در مقاله‌ای، تجزیه عراق را به سود ایران می‌داند (www.farsi-archive.aawsat.com).

اما این در حالی است که مقامات آمریکایی به صراحت اظهار می‌دارند: موافق تجزیه عراق هستند (www.asriran.com). و اظهارات وزیر خارجه اسبق آمریکا مبنی بر جنگ ۳۳ روزه در راستای دردهای تلاش برای خاورمیانه جدید هنوز در اذهان باقی مانده است.^۱ از سالها پیش، آمریکا با طرح خاورمیانه جدید (www.huffpost.com). درصدد تجزیه آن به کشورهای کوچک با محوریت رژیم غاصب صهیونیستی است؛ «سنای آمریکا» نیز رسماً قصد خود را برای تجزیه کشورهای منطقه با مصوبه رسمی ۲۹ سپتامبر ۲۰۰۷ (۷ مهر ۱۳۸۷) ازجمله تجزیه عراق به سه منطقه فدرالی را افشا کرد (خسروی ۱۳۹۸: ۱۱۵)؛ جان بولتون، یکی از معماران اصلی جنگ آمریکا علیه عراق در اظهارنظری عجیب، پا را از این نیز فراتر گذاشته و خواستار تشکیل دولت سنی در بخش شرقی سوریه گردید (www.huffpost.com). که همان طرح آمریکا در راستای طرح تجزیه عراق و سوریه است. وی در سخنی بی پروا که نیویورک تایمز نیز آن را نشر داد، بهترین جایگزین داعش در غرب عراق و شرق سوریه را تشکیل دولت سنی در این مناطق می‌داند (www.thenational.ae). بنیامین نتانیاهو نیز از تجزیه عراق بشدت دفاع و سیاست رژیم غاصب صهیونیستی را حمایت از استقلال کردستان عراق می‌داند (www.jpost.com). وی طی اظهاراتی (منتشر شده در روزنامه جروزالم پست، اول جولای ۲۰۱۴) در دانشگاه تل آویو بیان می‌کند: «تراژدی عراق مانند تراژدی سوریه، سودان و لیبی، ساخت رژیم غاصب صهیونیستی است. همه این کشورها باید بی ثبات شده تا طرح بالکانیزه کردن خاورمیانه تحقق پیدا کند. حمایت رژیم غاصب صهیونیستی برای نابودسازی عراق با هدف فراهم کردن بستر دولت مستقل کردستان بوده است. اسرائیل باید از روحیه استقلال طلبی کردها حمایت کند» (www.ahewar.org).

مجله نیروهای مسلح آمریکا (www.armedforcesjournal.com) وابسته به پنتاگون نیز در مقاله‌ای به قلم رالف پترز (Ralph Peters) با نام مرزهای خونین، چگونگی تصور

۱. وزیر خارجه اسبق آمریکا، در چرایی علت حمله اسرائیل به لبنان (جنگ ۳۳ روزه) از خاورمیانه جدید به عنوان «درد زایمان» - نیاز جدی برای ایجاد کشورهای جدید و تازه تاسیس - که البته با تحمل دردها و سختی‌ها محقق خواهد شد، یاد می‌کرد (پورقیومی، ۱۳۸۶: ص ۱۰۲).

خاورمیانه‌ای بهتر بیان داشت که استقرار دموکراسی در جهان بدون تغییر مرزهای خاورمیانه امکان پذیر نیست. نویسنده این مقاله - استراتژیست معروف نظامی وابسته به نفوکان‌ها - آشکارا می‌نویسند: برای گسترش دموکراسی و از میان بردن ریشه‌های تروریسم باید مرزهای خاورمیانه مجدداً تعیین شود انتشار چنین مقاله در نشریه نزدیک به پنتاگون، حکایت از جدیت طرح برای تجزیه کشورهای منطقه دارد (www. iranglobal.info). بنابراین در حال حاضر، طرح آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی، تشکیل سه اقلیم و فدرالیسم ضعیف در عراق است (خسروی، ۱۳۹۸: ۹۹).

آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی

آمریکا از زمان اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ به دنبال بزرگترین هدف خود یعنی تجزیه این کشور به سه اقلیم یا دولت کوچک و اگر بوده است. البته این راهبرد در درجه اول خواسته رژیم غاصب صهیونیستی است، چراکه عراق واحد خطری برای موجودیت رژیم غاصب اسرائیل به شمار می‌رود (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). هدف بعدی آمریکا از این اقدام، قطع زنجیره ائتلاف شیعی است که از سوی ایران حمایت می‌شود و از افغانستان آغاز شده و تا عراق و سوریه و لبنان و فلسطین امتداد پیدا می‌کند (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۴۰). بنابراین هدف جدی، براندازی محور مقاومت شیعی خاورمیانه بر ضد نفوذ آمریکایی - صهیونیستی است که متأسفانه با تلاش برای ایجاد اقلیم سنی در غرب عراق، مسیر کمک‌رسانی زمینی از ایران به سوریه و فلسطین مسدود می‌شود.

رژیم غاصب صهیونیستی نیز در راستای طرح نیل تا فرات (گارودی، ۱۳۹۷: ۴۲) از ایده تجزیه عراق، به شدت حمایت می‌کند (Williams & Matthew, 2008: 191). زیرا به گفته خانم کرولین کلیک معاون سردبیر نشریه مشهور جزورالم پست اسرائیل، محور اصلی بالکانیسم جهان اسلام با تجزیه عراق خواهد بود (www.jpost.com) و نیز به گفته نشریه اسرائیلی هارتز، تجزیه عراق به منزله اسلحه‌ای برای کنترل خاورمیانه و مهار کشورهای اسلامی محسوب می‌شود (ww.haaretz.com). از این رو، موشه یعالون، وزیر جنگ رژیم غاصب صهیونیستی به صراحت بیان کرده بود: «مرزهای خاورمیانه قطعاً تغییر خواهد کرد» (www.voltairenet.org).

از این رو، آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی بعد از تجربه خودمختاری کردها، اکنون تمرکز و تلاش خویش را بر روی غرب عراق و شکل گیری گارد ملی اهل سنت عراق به هدف تجزیه این کشور متمرکز کرده اند (اکبری، ۱۳۸۸: ۱۷۶) که این امر ابتدا با ایجاد جنگ داخلی، فتنه و آشوب در مناطق شیعه نشین عراق، توجه ها را از مناطق سنی نشین عراق دور کرده و آنگاه سناریوی تجزیه در غرب عراق هموارتر خواهد شد.

ترکیه

ترکیه در حال حاضر از موافقان جدی تجزیه عراق به شمار می رود (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۱۱)؛ اردوغان نخست وزیر ترکیه در واکنش به مخالفت های صورت گرفته نسبت به تجاوز نظامی ترکیه به خاک عراق طی مواضع جدیدی که تاکنون سابقه نداشته است بیان می دارد: «مرزهای کنونی بین عراق و سوریه هرگز با رضایت خاطر ترکیه نبوده و شهرهای موصل و حلب به لحاظ تاریخی متعلق به ترکیه است و این شهرها در قلب ملت ترکیه قرار دارند» (www.almasdarnews.com).

از این رو ترکیه همواره به خاک عراق، نگاه طمع داشته و مترصد تغییر مرزهای عراق است. ضمن اینکه تشکیل اقلیم سنی در عراق مزایا و منافع بسیار فراوانی برای ترکیه دارد از جمله: گذرگاهی عملی و ساده برای صادرات نفت و گاز خلیج فارس از طریق ترکیه به اروپا ایجاد می کند؛ چرا که زمین های بیابانی منطقه غرب عراق برای لوله کشی نفت و گاز مناسب است و به این ترتیب می تواند به اقتصاد روسیه و ایران نیز ضربه وارد شود. همچنین گاز قطر از طریق لوله های کشیده شده در عراق به ترکیه و سپس به اروپا منتقل می شود، چرا که صادرات گاز قطر از طریق نفت کش ها به اروپا و سایر نقاط جهان هزینه های اقتصادی بالایی دارد به این ترتیب صادرات گاز قطر و کشورهای حاشیه خلیج فارس از طریق لوله کشی، وابستگی اروپا به گاز روسیه را کم می کند و ضربه محکمی به اقتصاد روسیه وارد می کند و حتی امکان رسیدن نفت و گاز به آمریکا و اروپا بدون در نظر گرفتن بحران های موجود در خلیج فارس نیز محقق می شود.

بنابراین، ترکیه از طریق اقلیم سنی عراق می تواند ارتباط زمینی مستقیم با کشورهای حاشیه خلیج فارس داشته باشد و این به معنای ارتباط اروپا با کشورهای خلیج فارس

از طریق ترکیه است و به این ترتیب آنکارا به بازیگر اول منطقه با بیشترین نفوذ در عراق فدرال تبدیل می‌شود و لوله‌های انتقال انرژی از خلیج فارس به اروپا از ترکیه عبور می‌کند. همچنین خط آهن رابط بین اروپا و خلیج فارس از طریق ترکیه احداث می‌شود. به این ترتیب ترکیه گذرگاه اصلی عبور کالاها و خدمات بین اروپا و کشورهای حاشیه خلیج فارس نیز خواهد بود.

پروژه قدیمی نیز بین ترک‌ها و کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد. این پروژه خط لوله انتقال آب از ترکیه به دولت‌های حاشیه خلیج فارس برای رساندن آب شیرین به این کشورها است که عمدتاً از طریق تصفیه و شیرین کردن آب دریا برای استفاده‌های متعدد خود بهره می‌گیرند. این پروژه شامل احداث خط لوله‌هایی برای انتقال آب از ترکیه برای کشورهای حاشیه خلیج فارس و رژیم غاصب صهیونیستی است که از خاک عراق یا سوریه و سپس اردن عبور می‌کند و به کشورهای خلیج فارس و رژیم غاصب صهیونیستی می‌رسد. اما این پروژه با مخالفت عراق و سوریه مواجه شده است، چرا که سهمیه آب این کشورها از دجله و فرات را کم می‌کند. بنابراین ایجاد اقلیم سنی در غرب عراق بهترین گزینه برای اجرای این پروژه خاص به شمار می‌رود (www.mshrgh.ir).

عربستان و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس

عمده همسایگان عرب عراق، شکل‌گیری یک نظام دموکراتیک در عراق را در جهت تضعیف اعراب سنی و افزایش قدرت منطقه‌ای شیعیان تلقی می‌کنند. به ویژه رژیم سعودی به شدت با یک عراق واحد که به شکل طبیعی و با توجه به اکثریت شیعی اداره شود، مخالف است. و با حمایت از اقلیت سنی نشان می‌دهد که سعودی، عراق شیعی را نخواهد پذیرفت. از این رو سیاست عربستان در قبال عراق، ضمن حمایت جدی از استقلال اقلیم کردستان عراق اما در دیگر مناطق، ترویج بی‌ثباتی، فتنه و جنگ داخلی می‌باشد (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۱۰) از این منظر، عراق تجزیه شده با یک اقلیم سنی بیشتر مورد پسند سعودی‌ها است (Zeino-Mahmalat, Ellinor, 2012: 164).

اما در واقع، عربستان با بیم و امید، تحولات تجزیه عراق را دنبال می‌کنند به این معنا که از یک سو نگران این هستند که این امر، موجب افزایش قدرت ایران و شیعه در عراق شود و

از سوی دیگر، از آنجایی که خود نیز به شیوه‌ای غیر دموکراتیک اداره می‌شوند، بر اساس طرح کلان خاورمیانه‌ای، کشورشان نیز در نوبت تجزیه قرار گیرد (مرادی، ۱۳۹۰: ۴۰). اما دیگر کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس همچون قطر و امارات بنا به دلایل متعدد، کمک به تشکیل اقلیم سنی در عراق را هدف‌گذاری کرده‌اند. از جمله تلاش برای توقف نفوذ ایران در منطقه و عراق به صورت ویژه یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های این کشورها است. ضمن این‌که اقلیم سنی عراق، گذرگاه مهمی برای صادرات نفت و گاز کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس به اروپا از طریق ترکیه خواهد بود. زیرا کثرت مشکلات موجود در خلیج فارس و خطر بسته شدن تنگه هرمز، دولت‌های استفاده‌کننده از نفت و گاز این منطقه را به دنبال جستجوی جایگزین‌های مسیر صادرات انرژی از دولت‌های خارجی کشانده است، و آنها برای رهایی از نگرانی‌ها در صادرات انرژی از تنگه هرمز، استراتژی جایگزین را دنبال می‌کنند که ارتباط اروپا با خلیج فارس از طریق مسیر اقلیم سنی در عراق و ترکیه، بهترین گزینه برای این مشکل می‌باشد.

بدین صورت که نیروهای نظامی ترکیه، امنیت خط لوله انتقال انرژی از کشورهای حاشیه خلیج فارس به اقلیم سنی عراق و ترکیه و اروپا را تأمین می‌کند و برخلاف نیروهای خارجی که باید برای حمایت از تنگه هرمز یا کانال سوئز در منطقه مستقر شوند که در این صورت نیاز به نیروهای گسترده و هزینه‌های سرسام‌آور برای تأمین امنیت این گذرگاه‌های دریایی وجود دارد.

پروژه انتقال آب از ترکیه به کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز پروژه‌ای مهم برای این کشورها جهت خلاصی از تشنگی دائمی به شمار می‌رود. زیرا تاکنون تمامی پروژه‌ها برای انتقال آب از ترکیه با کشتی یا خط لوله از طریق دریای مدیترانه به علت هزینه‌های بالای آن شکست خورده است؛ اما در صورت تجزیه عراق و تشکیل اقلیم سنی، انتقال این آب‌ها با لوله به کشورهای حاشیه خلیج فارس در حالی انجام خواهد شد که اقلیم شیعی در جنوب از سهمیه آب خود در این منطقه محروم خواهد ماند (فراموش نکنید که چگونه داعش آب مناطق مرکزی و جنوبی عراق را از طریق سد فلوجه بسته بود، اقدامی که البته بعدها با تسلط نیروهای عراقی بر این سد و بازگشایی آن به شکست منجر شد).

شیعیان عراق

هرچند در قانون اساسی عراق، فدرالی بودن پذیرفته شده است (اصل ۱۱۷ قانون اساسی عراق، می‌گوید: عراق کشوری با حاکمیت مستقل که نظام حکومتی آن جمهوری پارلمانی و فدرال می‌باشد) (عزتی، ۱۳۹۰: ۱۵) اما با تجزیه عراق مخالفت شده است (مسعودنیا، ۱۳۹۵: ۱۶۴)؛ با این وجود، نوعی معضل در مورد آینده فدرالیسم در عراق وجود دارد و به موضوع مورد اختلاف جریان‌های سیاسی عراق تبدیل شده است (خسروی، ۱۳۹۸: ۸۹) از جمله وجود مشکلات درباره وضعیت جغرافیایی - سرزمینی؛ معضل توزیع ثروت اقتصادی و ... باعث شده است که فدرالیسمی لزان در عراق جریان یابد (مرادی، ۱۳۹۰: ۳۱).

اما در فرض تجزیه عراق، و تشکیل اقلیم شیعی در جنوب عراق با وجود ثروتی که به‌ویژه در ابعاد منابع نفت و گاز دارد؛ اما روند صادرات آن محدود خواهد شد، زیرا خط انتقال نفت از آن به ترکیه ممکن است با کارشکنی اقلیم سنی مواجه و حتی متوقف شود، زیرا صادرات نفت شیعه به جهان نیازمند عبور از سه منطقه مختلف یعنی اقلیم سنی و اقلیم کردستان عراق و اقلیم سنی، آب را بر اقلیم شیعه بندند. ضمن این‌که آمریکا و دیگر قدرت‌های استعماری نیز تحمل نمی‌کنند که بخش اعظم نفت عراق در داخل یک کشور جدید شیعه باشد و درصدد ایجاد اختلاف و جنگ داخلی در مناطق شیعی خواهد بود. مضاف بر اینکه، مساله بغداد و سامرا نیز مشخص نیست. این شهرها مورد ادعای سنی‌ها هستند حال آنکه دارای اماکن مقدس شیعی می‌باشند. همچنین استان دیالی در صورت فدرالیسم به اقلیم سنی می‌پیوندد و با ایران هم مرز می‌شوند و این یکی از مسائل پیچیده امنیتی تشکیل اقلیم سنی در عراق است. بحث کرکوک نیز بحث تازه‌ای نیست، سنی‌ها، کردها و شیعیان بر سر منابع سرشار نفتی آن، مناقشه دارند. در مورد استان صلاح‌الدین نیز مساله به مراکز مقدسه شیعی سامرا باز می‌گردد که در گذشته سنیان القاعده، اقدام به انفجار آن کرده بودند.

از سوی دیگر سیاست اقلیم کردستان نیز برای غرب و آمریکا تضمین شده است و این اقلیم در رکاب کشورهای غربی خواهد بود. ضمن اینکه، حضور و نفوذ رژیم غاصب

صهیونیستی در منطقه کردستان عراق و هم مرز با ایران، در راستای تحقق اهداف راهبردی این رژیم می باشد.^۱ از این رو، این رژیم به طور جدی و علنی از ایده تشکیل کشور کردستان واحد حمایت می کند (www.newrepublic.com).

با توجه به آنچه بیان گردید، از نگاه شیعه، فدرالیسمی در عراق، مورد تأیید است که ضمن تأکید بر وحدت عراق و عراق واحد، از قاعده رای اکثریت که در اختیار شیعیان است، حمایت شود و نه فدرالیسمی که مقدمه تجزیه عراق را فراهم نماید و بخشی هایی از خاک عراق واحد از اختیار خارج شود (اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۹).

اما آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی با تجزیه عراق - به عنوان مهم ترین گزینه در راستای بالکانیزه کردن غرب آسیا - نگاه می کند که به بهترین شکل ممکن می تواند قدرت منطقه ای محور شیعی را محدود ساخته، اتصال ژئوپلیتیکی جبهه مقاومت را در هم بشکند و حتی مرزهای کشورهای شیعی را دچار تهدیدات نظامی جریان های سلفی تکفیری سازد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۰-۳۳).

ضمن این که، سوال اساسی این است: آیا فدرالیسم عراق، خط پایان یا تمديد بحران خواهد بود؟ به عبارت دیگر، ممکن است فدرالیسم، مقدمه نقشه تجزیه عراق قرار گیرد، زیرا اقلیم سنی و کردی به مرزهای جغرافیایی خود در عراق قانع نشده و با همکاری قدرت های همسو در تلاش برای توسعه مرزهای خویش در ایران و عراق باشند (کما اینکه تلاش آشکار کردها برای حکومت کردستان بزرگ در ایران، عراق و سوریه، گواهی بر این مدعا است). آنگاه تمام مزایای فدرالیسم برای شیعه بر باد خواهد رفت (کما اینکه اکنون نیز اقلیم کردستان عراق، پول عاید از فروش نفت را به حکومت مرکزی بغداد واریز نمی کند) و عراق فدرالی وارد کشاکش مذهبی نیز خواهد شد (خسروی، ۱۳۹۸: ۸۹). و در اینصورت، تمامیت ارضی عراق نیز تهدید جدی شده و زمینه برای ورود و تجاوز کشورهای دیگر نیز فراهم خواهد شد. امری که به راحتی در سناریوی آینده پژوهی مهدوی، می توان به کدهایی

۱. البته حمایت اسرائیل از استقلال کردها، بر پایه منافع شکل گرفته است. اسرائیل به عنوان منفعتی نسبی و نه مطلق در حال مدیریت روابط خود با کردها و مشخصاً اقلیم کردستان عراق به عنوان نماینده غیر رسمی استقلال طلبان کرد بوده و البته عجله ای نیز برای تشکیل کردستان بزرگ و مستقل در منطقه خاورمیانه ندارد و صرفاً با نگاه ابزاری، آرمان کردها را فقط و فقط در چارچوب اهداف و منافع راهبردی کوتاه مدت و بلند مدت خود تعریف کرده است (جهانگیری، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

از آن دست یافت (همچون فتنه عوف سلمی در مناطق سنی نشین^۱ و تلاش برای تجزیه عراق و سپس حمله نظامی لشکر متخاصم به خاک عراق که منجر به سقوط حکومت مرکزی بغداد شده و تهدیدات امنیتی فراوانی در مناطق شیعی بر جای خواهد گذاشت).
ایران

تجزیه عراق و تشکیل سه اقلیم، برای کشور ایران نیز پیامدهای امنیتی، اقتصادی و حتی خطرات مذهبی فراوانی خواهد داشت از جمله: گسترش سلفی‌گری و فرقه‌گرایی مذهبی و تقویت حضور گروه‌های ترویستی (که نمونه آن، حضور القاعده و داعش در مناطق سنی نشین عراق بود) و نیز احتمال چرخش سیاست دولت سنی عراق به سمت عربستان سعودی و برانگیختن اهرم حس ناسیونالیستی عربی سنی با چاشنی قومیت‌گرایی در کنار مرزهای ایران و ... خواهد بود (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۳۸). مضافاً بر اینکه اکنون جبهه باطل در تلاش برای تجزیه ایران در راستای طرح نقشه خاورمیانه جدید نیز است و آن را از رهگذر تجزیه عراق دنبال می‌کند.

تقویت حرکت‌های استقلال طلبانه و جدایی بخش‌هایی از ایران و الحاق آن به منظور تشکیل کشور کردستان بزرگ به عنوان مکمل طرح خودمختاری اقلیم کردی در عراق بخش از پروژه قرن جدید آمریکایی است، ضمن اینکه آرزو استقلال کردهای سوریه نیز به مراحل پایانی نزدیک می‌شود (هرچند چنین ایده‌ای با مخالفت کشورهای منطقه روبرو است و عملاً محقق نشده است لکن در فرض محال نیز کردستان، کشوری خواهد بود که هیچ راه ارتباط زمینی، هوایی و دریایی نخواهد داشت و همین امر، تردیدهایی را حتی در میان خود کردها نیز برانگیخته است (www.mshrgh.ir)).

اما داستان دشمنی با ایران به اینجا نیز ختم نشده (www.mshrgh.ir) و طبق نقشه‌ای که نشریه آمریکایی آتلانتیک از خاورمیانه جدید منتشر کرده، زمزمه جدایی دیگر مناطق ایران (همچون آذربایجان، کردستان، خوزستان و بلوچستان) نیز در دستور کار استعمار نوین است (www.theatlantic.com) نامه نمایندگان کنگره آمریکا مبنی بر تلاش برای

۱. در آینده‌پژوهی مهدوی، از وقوع فتنه "عوف سلمی" در غرب عراق با محوریت و تمرکز بر موصول و تکریت سخن به میان آمده است که در واقع تلاش دشمن برای ایجاد اقلیم سنی در خاک عراق و به هدف تجزیه عراق و نیز قطع ارتباط مواصلاتی محور مقاومت شیعی با منطقه شام و عدم دسترسی به فلسطین قبل از ظهور قلمداد می‌شود: خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتُ (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۴۰).

جدایی آذربایجان از ایران در راستای طرح خاورمیانه جدید که در کنگره آمریکا ارائه و تصویب شد (www.web.archive.org)، شاهی برای امر و برگ دیگری از دشمنی‌های جبهه استکبار با ایران شیعی است.

اما صرف نظر از نقشه دشمن در طراحی پیچیده و چند مرحله‌ای تجزیه منطقه، واقعیت این است که ایران در منطقه خاورمیانه، کشوری با تمدن کهن به شمار می‌رود و در واقع صاحبخانه آن است و بیگانگان نمی‌توانند هیچ طرحی را در این منطقه بدون کسب رضایت ایران پیش ببرند، همانطور که دشمن، تاکنون در عراق، فلسطین، سوریه و... ناکام بوده است.

اما در مقابل، ایران در صدد ایجاد خاورمیانه اسلام است. طبق این طرح، عراق نقش ویژه دارد. از این رو سیاست ایران در عراق از «بی طرفی فعال» در مناقشه غرب با حکومت حزب بعث، به رویکرد «مدیریت فعال» در پسا صدام، تغییر یافت که نشان دهنده حضور جدی ایران برای تضمین منافع و امنیت ملی و همچنین ایفای نقش در نظم منطقه‌ای و افزایش قدرت محور مقاومت شیعی است (Zeino-Mahmalat, Ellinor, 2012: 222). بر همین مبنا، جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است تا با اهرم‌های سیاسی خود، ضمن متحد کردن احزاب شیعه، روابط سنتی با احزاب عمده کرد برای تأمین امنیت در شمال عراق را به عنوان بخشی از راهبرد بلندمدت خود در عراق بکار گیرد (اخوان کاظمی، ۱۳۹۷: ۲۰-۳۳).

آینده پژوهی مهدوی «تلاش برای ایجاد اقلیم سنی در عراق»

از جمله اهداف راهبردی آمریکا از پافشاری بر اجرای فدرالیسم در عراق و نیز حمایت جدی رژیم غاصب صهیونیستی از آن، در واقع مقدمه‌ای برای نقشه تجزیه عراق است. آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی با تجزیه عراق - به عنوان مهم‌ترین گزینه در راستای بالکانیزه کردن غرب آسیا - نگاه می‌کنند که به بهترین شکل ممکن می‌تواند قدرت منطقه‌ای محور شیعی را محدود ساخته، اتصال ژئوپلیتیکی جبهه مقاومت را در هم بشکنند و حتی مرزهای کشورهای شیعی را دچار تهدیدات نظامی جریان‌های سلفی تکفیری سازد (همان).

اما از نگاه شیعه، فدرالیسمی در عراق، مورد تأیید است که ضمن تأکید بر وحدت عراق و عراق واحد، از قاعده رای اکثریت که در اختیار شیعیان است، حمایت شود و نه فدرالیسمی که مقدمه تجزیه عراق را فراهم نماید و بخشی‌هایی از خاک عراق واحد از اختیار خارج شود (اسلامی، ۱۳۹۳: ۱۹) و خطر اختلاف مذهبی و جنگ داخلی در عراق را به وجود آورد.

امری که به راحتی در سناریوی آینده پژوهی مهدوی، می‌توان به کدهایی از آن دست یافت. لازم به ذکر است «آینده پژوهی مهدوی» عبارت است از دانش شناخت نظام‌مند آینده با رویکرد دینی و درباره موضوعات و پدیده‌های مختلف که امکان فهم درست مواجهه آگاهانه و مدبرانه آن‌ها در حد مطلوب و مؤثر فراهم می‌سازد و موجب حرکت به سمت جامعه آرمانی و برنامه‌ریزی مناسب در راستای چشم‌انداز در سطوح مختلف اجتماعی، اقتصادی، نظامی و امنیتی می‌شود. در واقع آینده پژوهی مهدوی، به ما کمک می‌کند تا از سطح مقدماتی فراتر رفته و وارد سطح مؤثر و استراتژیک شویم و نقش خود را در زمینه‌سازی انقلاب جهانی مهدوی براساس رصد کردن تحولات محتمل جهانی بویژه در جغرافیای ظهور و مثلث کوفه، مکه و قدس بهتر ایفا کنیم (کارگر، ۱۳۸۸: ۸۳). در واقع آینده پژوهی مهدوی با تکیه بر هشدارهای حدیثی در تراث مهدوی و محور قرار دادن گزارشات درباره فتنه‌ها و بحران‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و امنیتی، امکان وقوع آنها را در جغرافیای کشورهای نقش‌آفرین عصر ظهور را رصد می‌کند و اذهان را متوجه رویدادهای تأثیرگذار در آینده می‌نماید و جامعه منتظر را برای مقابله با آنها آماده می‌سازد (قربانی، ۱۳۹۵: ۷۱) و جامعه منتظر را از غفلت درباره نقشه‌ها، طرح‌ها و توطئه‌های دشمنان امام مهدی آگاه می‌سازد (آیتی، ۱۳۹۸: ۷۷) و از آنجا که آینده پژوهی مهدوی مبتنی بر قوانین و سنن تخلف‌ناپذیر الهی است، بسیار قابل اعتماد خواهد بود (پورعزت، ۱۳۹۶: ۲۸۱).

طبق گزارش کتاب الغیبه طوسی^۱ و در آینده پژوهی مهدوی، از وقوع فتنه عوف سلمی در شمال غرب عراق با محوریت و تمرکز بر موصل و تکریت سخن به میان آمده است که

۱. شیخ طوسی (۴۶۰ق) فقیه، محدث، مفسر، متکلم نامدار شیعه و مؤسس حوزه هزارساله نجف، مؤلف آثار گرانهای اسلامی در حوزه‌های مختلف دینی می‌باشد. کتاب الغیبه طوسی تألیف هزار سال پیش و از کتب مرجع در آینده پژوهی مهدوی به شمار می‌آید (احمدی کجایی، ۱۳۹۳: ۶۲).

در واقع تلاش دشمن برای ایجاد اقلیم سنی در خاک عراق و به هدف تجزیه عراق و نیز قطع ارتباط مواصلاتی محور مقاومت شیعی قلمداد می‌شود و تهدیدات امنیتی فراوانی در مناطق شیعی بر جای خواهد گذاشت: (خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمی بِأَرْضِ الْجَزیرَةِ وَ یَکُونُ مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ) (طوسی، ۱۴۲۵ ه ق: ۴۴۰).

ارض جزیره، همانطور که از کتب جغرافیا، تاریخ^۲ و لغت^۳، نیز مستفاد است به مناطق ما بین دجله در عراق و فرات در سوریه اطلاق می‌شود؛ و بدون ذکر قرینه، هیچ اشاره‌ای به جزیره العرب ندارد^۴ بنابراین، مناطق حسکه، دیرالزور و رقه در شرق سوریه و موصل، تکریت و الانبار در غرب عراق، محدوده فعالیت‌های سیاسی نظامی فتنه عوف سلمی قبل از ظهور را شامل می‌شود. لکن برخی از کارشناسان، مراد از الجزیره را به قرینه ذکر تکریت و اتصال آن به موصل، تنها بخشی‌هایی از آن که شامل عراق می‌شود، عنوان می‌کنند (ری شهری، ۱۳۹۳: ۷۱) و با توجه به اینکه موطن عوف سلمی، تکریت (بین بغداد و موصل) واقع شده است، از این رو مراد از جزیره، فقط مناطقی که شمال غربی عراق واقع است، مراد می‌باشد (طیسی، ۱۳۹۰). بنابراین، هسته اولیه شکل قدرت نظامی عوف سلمی، از موصل و دیگر مناطق شمال غربی عراق سرچشمه می‌گیرد و به دلیل اینکه ماوا و مقرر تشکیلات وی در تکریت گزارش شده است (یکون مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ)، از این رو دامنه فعالیت سیاسی نظامی عوف سلمی فقط در عراق خواهد بود (علی الصغیر، ۱۴۳۳ ه ق: ۲۵۶).

بنابراین در آینده‌پژوهی مهدوی، از وقوع فتنه عوف سلمی در شمال غرب عراق با محوریت و تمرکز بر موصل و تکریت سخن به میان آمده است که در واقع تلاش دشمن برای ایجاد اقلیم سنی در خاک عراق و به هدف تجزیه عراق و نیز قطع ارتباط مواصلاتی محور مقاومت شیعی قلمداد می‌شود. آنگاه بعد از وقوع سلسله حوادثی، زمینه برای حمله

۱. الجزیره؛ و هی التي بین دجلة و الفرات (حموی، ۱۹۹۵ م: ۱۳۴).
۲. بَعَثَ عَلَیْهِ السَّلام، الْأَشْتَرُ عَلَی الْمَوْصِلِ... وَ سَنَجَارَ... وَ مَا غَلَبَ عَلَیْهِ مِنْ تِلْكَ الْأَرْضِیْنَ مِنْ أَرْضِ الْجَزیرَةِ وَ بَعَثَ مُعَاوِیَةَ بْنَ أَبِي سُفْیَانَ الصَّخَّالِ بْنَ قَیْسٍ عَلَی مَا فِی سُلْطَانِهِ مِنْ أَرْضِ الْجَزیرَةِ وَ كَانَ فِی يَدَيْهِ حَرَاكُ وَ الرِّقَّةُ وَ الرُّهَا وَ قَرْقِیسیا (ابن مزاحم، ۱۴۰۴ ه ق: ۱۲). بنابراین از رقه و قرقیسیا (دیرالزور) در سوریه تا موصل و سنجار در عراق را شامل می‌شود.

۳. الجزیره؛ و هو ما بین دجلة و الفرات (ابن منظور، ۱۴۲۳ ه ق: ۱۳۴).
۴. الجزیره التي هی مرکز حرکت عوف السلمی، هی اسم لمنطقة عند الحدود العراقية السورية، و هو المعنى المفهوم للجزیره عندما تطلق بدون إضافة كما نلاحظ فی كتب التاريخ والحديث (کورانی، ۱۶۳۶ ه ق: ۴۵۳).
۵. إذا أطلقت الجزیره فی الحديث و لم تضاف إلى العرب فإنما یراد بها ما بین دجلة و الفرات (ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۲۶۸).

کشور متخاصم به عراق فراهم خواهد شد. بدین معنا که بعد از انتقال قدرت به حاکم موقت منطقه شام با اسم رمز سفیانی^۱، مورد حمایت مثلث روم^۲، یهود^۳ و خاندان آل فلان حاکم بر عربستان^۴ (مثلث غربی، عبری و عربی) که برای بازه زمانی کمتر از دو سال بر دمشق گمارده خواهد شد^۵. و هنگام حمله لشکر نظامی دشمن به عراق، سرانجام عوف سلمی در تکریت، دستگیر و با انتقال به دمشق به قتل می‌رسد (عُوفُ السَّلْمِی یَکُونُ مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقِ (طوسی، ۱۴۲۵ ه ق: ۴۴۰)).

بنابراین، فتنه عوف سلمی با تشکیل اقلیم سنی در مناطق شمال غرب عراق (تکریت، موصل و الانبار) هم مرز با سوریه با محوریت شخصی با اسم رمز عوف سلمی منسوب به نژاد بنی سلیم (جبوری و دیگر نژادهای منتسب به بنی سلیم) و داری نفوذ سیاسی و اجتماعی در میان اهل سنت غرب عراق در خلاء و ضعف حکومت مرکزی عراق قبل از ظهور، شکل خواهد گرفت.

و به دلیل ذکر کلیدواژه تکریت و دمشق در جغرافیای سیاسی حوادث سوریه و عراق، نقش پررنگ و تأثیرگذاری بر امنیت شیعیان و نیز معادلات نظامی قبل از ظهور خواهد داشت.^۶ از این رو، میتوان از فتنه عوف سلمی در مناطق سنی نشین جزیره (واقع در مناطق

۱. سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای یک بازه زمانی کمتر از ۲ سال است که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان همپیمان خویش در عربستان نیز نیروی نظامی اعزام می‌کند (کوران، ۱۴۳۶ ه ق: ۳۸۰).

۲. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها است: یَقْبِلُ السُّفْیَانِی مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِی عُتْقِهِ صَلیبٌ وَ هُوَ صَاحِبُ الْقَوْمِ (طوسی، ۱۴۲۵ ه ق: ۴۶۳).

۳. سفیانی، مورد حمایت یهود است: اِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا (سوره اسراء، آیه ۸)، یَعْنِی اِنْ عُدْتُمْ {الیهود} بِالسُّفْیَانِی عُدْنَا بِالْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (قمی، ۱۳۶۳: ۴۶).

۴. سفیانی، مورد حمایت حکومت عربستان است. آل فلان قبل از ظهور بر عربستان حکومت میکنند؛ یا زُرَّارَةُ لَا بُدَّ مِنْ قَتْلِ غَلامٍ بِالْمَدِیْنَةِ ... یَقْتُلُهُ جِیْشُ آلِ بَنِی فُلَانٍ (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق: ۳۳۷) و سفیانی به عنوان همپیمان خاندان آل فلان حاکم در عربستان، متعاقب حوادث خونین مکه و مدینه در سال ظهور، نیروی نظامی در حمایت از حکومت عربستان به این کشور اعزام می‌کند: فَيَنْبَدِرُ الْحُسَيْنِ إِلَى الْخُرُوجِ فَيَنْبُ عَلَيْهِ أَهْلُ مَكَّةَ فَيَقْتُلُونَهُ وَ يَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَى الشَّامِ ... وَ يَبْعَثُ الشَّامِی عِنْدَ ذَلِكَ جِیْشًا إِلَى الْمَدِیْنَةِ (کلینی، ۱۴۰۷ ه ق: ۲۲۵).

این هماهنگی بین آل فلان و سفیانی در به شهادت رساندن سید حسنی، نفس زکیه قبل از ظهور میباشد (آیتی، ۱۳۹۰: ۲۳۴) و حاکی از ارتباط عمیق خاندان حاکم در عربستان با حاکم دمشق سوریه در منطقه شام دارد که متعاقب شهادت نفس زکیه، شامی (سفیانی) لشکر نظامی خود از منطقه شام را به مدینه اعزام میکند.

۵. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها: یَقْبِلُ السُّفْیَانِی مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِی عُتْقِهِ صَلیبٌ (طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳) در بازه زمانی کمتر از ۲ سال بر دمشق و سایر مناطق مورد منازعه در فتنه شام مسلط خواهد شد: السُّفْیَانِی مِنَ الْمَخْشُومِ ... وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خُمُسَةَ عَشَرَ شَهْرًا (نعمانی، ۱۳۹۷ ه ق: ۳۰۰).

۶. الغیبه شیخ طوسی: رَوَى حَدَّثَنَا نُوَيْسُ بْنُ بَشِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، صَفِّ لِي خُرُوجَ الْمَهْدِيِّ وَ عَرِّفْنِي دَلَالَتَهُ وَ عَلَامَاتِهِ فَقَالَ: يَكُونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ، خُرُوجُ رَجُلٍ يَقَالُ لَهُ عُوفُ السَّلْمِی بِأَرْضِ الْخَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقِ ... ثُمَّ يَخْرُجُ السُّفْیَانِی الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِی الْيَابِسِ ... ثُمَّ يَخْرُجُ (الامام المهدی)

ما بین فرات در سوریه و دجله در عراق) به عنوان تهدید مشترک برای حکومت عراق و سوریه یاد کرد.

سناریوی «آینده عراق» قبل از ظهور

بنابراین، از منظر آینده پژوهی مهدوی، سناریوی که برای آینده عراق قبل از ظهور، متصور است: عراق واحد اما ضعیف^۱ که هرچند حکومت در اختیار شیعیان است^۲ اما خود نیز دچار اختلاف و تشتت هستند^۳ و به دلیل نفوذ جریان مخالف^۴ و ضعف حکومت مرکزی در اثر اختلاف و فتنه در عراق^۵ به ویژه فتنه در مناطق شیعی عراق (فتنه شیصبانی)^۶ آنگاه با سوءاستفاده از خلاء حکومت مرکزی، سیاسیون و نظامیان اهل سنت عراق، به ویژه

بَعْدَ ذَلِكَ (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۴۳-۴۴۴). حذلم بن بشیر مگوید: به محضر مبارك علی بن حسین امام سجاد (علیه السلام) عرض کردم: ظهور حضرت مهدی و علامتهای آن را برای من توصیف بفرمایید؛ امام زین العابدین علیه السلام فرمودند: قبل از ظهور حضرت مهدی، عوف سلمی از سرزمین جزیره (مناطق مابین دجله و فرات در عراق و سوریه) قیام خود را اعلام میکند. آنگاه در تکریت، پناهگاه و سکنی خواهد گزید و سرانجام در دمشق کشته میشود... سپس سفیانی از منطقه وادی یابس (درعا در جنوب سوریه و مرز بین اردن و سوریه)، قیام خواهد کرد... و بعد از سفیانی، امام مهدی ظهور خواهد کرد.

۱. حمله نظامی لشکر متخاصم با اسم رمز سفیانی و مورد حمایت غربی‌ها به عراق و پیشروی نظامی تا عمق خاک عراق بویژه حمله به کوفه و نجف، از وجود حکومت ضعیف مرکزی در عراق حکایت دارد که توان نظامی قوی برای مقابله با لشکر متجاوز دشمن را ندارد: السُفْيَانِيُّ ... لَا يَكُونُ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا الْإِقْبَالُ نَحْوَ الْعِرَاقِ ... وَ يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۸۰).

۲. در احادیث، از مرگ طبیعی یا ترور و قتل حاکم عراق قبل از ظهور و نیز برکناری حاکم بعدی به عنوان مقدمه فروپاشی نظام سیاسی حکومت عراق سخن به میان آمده است: إِنَّ دَوْلَةَ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ ... حَتَّى تَجِيءَ أَمَارَاتُهَا ... وَ مَاتَ خَلِيفَتُكُمُ الَّذِي يَجْمَعُ الْأَمْوَالَ وَ اسْتُخْلِفَ بَعْدَهُ رَجُلٌ ضَجِيجٌ فَيُخْلَعُ بَعْدَ سِتِّينَ مِنْ بَيْعَتِهِ وَ يَأْتِي هَلَاكُ مُلْكِهِمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ وَ يَتَخَالَفُ الثَّرَكُ وَ الرُّومُ ... (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۶۳)؛ لازم به ذکر است به دلیل مخاطب قرار دادن شیعیان (دَوْلَةَ أَهْلِ بَيْتِكُمْ فِي آخِرِ الزَّمَانِ) و از آنجا که مرکزیت و پایتخت حکومت جهانی امام مهدی در عراق است (کلینی، ۱۴۰۷ هـ ق: ۴۹۵). کاملاً واضح است که حدیث فوق، صریحا به حوادث و اتفاقات کشور عراق اشاره دارد که از جمله آن: برکناری حاکم عراق که متعاقب آن، هرج و مرج سیاسی می‌باشد: هَلَاكُ مُلْكِهِمْ مِنْ حَيْثُ بَدَأَ.

۳. وجود سه جریان سیاسی متفاوت در میان شیعیان که نسبت به تحولات و حوادث عراق با هم اختلاف دارند، گزارش شده است: الْكُوفَةُ وَ يَهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ (مفید، ۱۴۱۳ هـ ق: ۲۸۰)

۴. در احادیث از نفوذ افراد صاحب منصب سیاسی، نظامی امنیتی در حکومت عراق که در خدمت جبهه دشمن هستند و عدم شناخت آنان توسط مردم عراق، سخن به میان آمده است: بِالْكُوفَةِ ... وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى صَاحِبِ الْبُرْقُعِ قُلْتُ وَ مَنْ صَاحِبِ الْبُرْقُعِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْكُمْ يَقُولُ بِقَوْلِكُمْ يَلْبَسُ الْبُرْقُعَ فَيَعْرِفُكُمْ وَ لَا تَعْرِفُونَهُ (حر عاملی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۳۵۸)

۵. در احادیث از فتنه و ریخته شدن خون و تخریب مناطق عراق سخن به میان آمده است: دِمَاءٌ تُسْفَكُ بِهَا وَ خَرَابٌ دُورَهَا وَ فَنَاءٌ يَبْقَى فِي أَهْلِهَا وَ شُمُولُ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَعَهُ قَرَارٌ (مفید، ۱۴۱۳ هـ ق: ۳۷۸).

۶. فتنه «شیصبانی» در ارض کوفان (کوفه و نجف و یا عراق)، قبل از سفیانی (اولین نشانه حتمی ظهور) و از نشانه‌های نزدیک شدن زمان ظهور امام مهدی است: سَأَلْتُ أَبَا خَفَّارَ الْبَاقِرَ عَنِ السُّفْيَانِيِّ فَقَالَ وَ أُنَى لَكُمْ بِالسُّفْيَانِيِّ حَتَّى يَخْرُجَ قَبْلَهُ الشَّيْبَانِيُّ يَخْرُجُ مِنْ أَرْضِ كُوفَانَ يَنْبُعُ كَمَا يَنْبُعُ الْمَاءُ فَيَقْتُلُ وَفْدَكُمْ فَتَوَقَّعُوا بَعْدَ ذَلِكَ السُّفْيَانِي وَ خُرُوجَ الْقَائِمِ (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۰۲)

جریان‌های سکولار و بعثی اهل سنت در بخش‌هایی از مناطق سنی نشین ایده تجزیه عراق را دنبال خواهند کرد و بر مناطقی همچون موصل و تکریت نیز مسلط خواهند شد.^۱ توطئه‌ها ادامه یافته تا اینکه سرانجام بعد از حمله لشکر سفیانی (حمله حاکم موقت منطقه شام مورد حمایت غربی‌ها) به عراق، صبر جبهه مقاومت لبریز شده و با ورود قدرتمند سپاه زمینه‌ساز ایران - که اصحاب قائم نیز در این لشکر حضور دارد^۲. به عراق برای دفاع از مراکز مقدسه شیعه با همکاری محور مقاومت عراق و جبهه مقدم شیعی در برابر لشکر متجاوز، شکست سختی بر آنان در عراق تحمیل خواهد شد^۳ و زنجیره مثلث غربی، عبری و عربی در منطقه خاورمیانه گسسته خواهد شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در میان اهل سنت عراق، اجماع و اتفاق نظر بر فدرالیسم عراق وجود ندارد و سه جریان سنی (سیاسی، سلفی، بعثی) دیدگاه‌های متفاوتی دارند. جریان سیاسی اهل سنت که در روند انتقال قدرت شرکت دارند، در ظاهر خود را مدافع فدرالیسم نشان می‌دهند اما جریان بعثی خارج از دایره حاکمیت، برای مقابله با نظام اکثریت شیعی و در راستای بازگشت به راس حاکمیت بر تجزیه عراق اصرار دارد و جریان سلفی نیز به همه عراق حتی مناطق شیعی به مثابه بخشی از خلافت اسلامی می‌نگرد (اسدی، ۱۳۹۳: ۲۲) اما بعد از شکست تجربه جریان سلفی در عراق که تبلور آن در داعش نمود پیدا کرد، احتمال خطر ائتلاف دو جریان سیاسی و بعثی اهل سنت در راستای تلاش برای تجزیه عراق وجود دارد. به ویژه اینکه این ایده، از طرف آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی نیز در قالب گارد ملی اهل سنت حمایت جدی نیز می‌شود.^۴

۱. خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتُ (طوسی، ۱۴۲۵ ه ق: ۴۴۰)

۲. در احادیث از ورود لشکر نظامی محور مقاومت شیعی به عراق برای دفع حمله لشکر متجاوز سخن به میان آمده است: يَبْعَثُ السُّفْيَانِيُّ جَيْشًا إِلَى الْكُوفَةِ وَ عَدَّتْهُمْ سَبْعُونَ أَلْفًا فَيَصِيبُونَ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ قَتْلًا وَ صُلْبًا وَ سَبِيًّا فَيَنَالُهُمْ كَذَلِكَ إِذْ أَقْبَلَتْ زَابِثٌ مِنْ قَبْلِ خُرَّاسَانَ وَ تَطْلُوِي الْمَنَازِلَ طَلِيًّا حَيْثُهَا وَ مَعَهُمْ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ (نعمانی، ۱۳۹۷ ه ق: ۲۸۰).

۳. السُّفْيَانِيُّ... فَيَبْعَثُ... جَيْشًا... حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ يَغْنِي بَغْدَادَ... ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرِبُونَ مَا حَوْلَهَا... فَتَخْرُجُ رَايَةُ هَذِي مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ... وَ يَسْتَقْبِلُونَهَا فِي أَيَدِيهِمْ مِنَ السُّنِّيِّ وَ الْغَنَائِمِ (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۲).

۴. روزنامه فرمانطقه‌ای الحیات در مقاله‌ای به ابعاد طرح آمریکا برای تشکیل ارتش نظامی اهل سنت در عراق (گارد ملی اهل سنت) به منظور تقویت پایه و اساس حکومت اقلیم سنی پرداخته است (www.bit.ly).

درواقع می‌توان بیان کرد تئاتر داعش با تصرف مناطق غرب عراق و شرق سوریه در نقش کاتالیزور در طرح خاورمیانه جدید آمریکایی (www.globalresearch.ca) و نیز به عنوان سپر دفاعی در تامین امنیت اسرائیل (تبییری، ۱۳۹۴: ۱۶۵) و در راستای نقشه اسرائیل بزرگ (www.globalresearch.ca) برای پایان توافق سایکس پیکو (www.jihadology.net) و آغاز پروژه جدید طراحی تجزیه منطقه و تغییر مرزهای خاورمیانه رفتار کرد که در گام اول، تجزیه سوریه و عراق در دستورکار قرار دارد (www.globalresearch.ca)؛ اکنون نیز در گفتار سیاستمداران آمریکایی، بهترین جایگزین در شرق سوریه و غرب عراق، یک دولت سنی مستقل و جدید به صراحت بیان می‌شود (www.farsi.khamenei.ir).

و در حالی که ایران تنها مخالف تجزیه عراق، محسوب می‌شود؛ اما منافع آمریکا، رژیم غاصب صهیونیستی و ترکیه، عربستان و دولت‌های عربی حاشیه خلیج فارس، بویژه در عصر پساداعش، تلاش برای تجزیه عراق و ایجاد اقلیم سنی در این کشور، با هم تلاقی دارد (www.electronicintifada.net) و اهداف گسترده آنان تأمین شود:

سناریوی تقسیم عادلانه و دموکراتیک قدرت				سناریوی تداوم جنگ داخلی		سناریوی تجزیه	
گروه‌های داخلی	۱. از گروه‌های داخلی، تنها شیعیان به دنبال برقراری حکومت برآمده از اکثریت هستند.	۱. گروه‌های بعثی-کفیری (داعش و القاعده) در پی تداوم جنگ به نحوی هستند که منجر به تشکیل خلافت اسلامی و در نهایت تجزیه عراق گردد.	۱. گروه‌های کرد و همچنین داعش و القاعده منتظر شرایطی هستند که امکان تجزیه فراهم باشد که فعلاً نیست.	همسایگان	۲. از بین همسایگان، به جز ایران، بقیه همسایگان با روی کار آمدن حکومت برآمده از اکثریت مخالف بوده‌اند.	قدرت‌های منطقه‌ای	۲. تمام کشورهای همسایه به جز ایران و سوریه این هدف نهایی را دنبال می‌کنند اما هیچ‌یک به هدف استراتژیک خود دست پیدا نکرده.
	۳. آمریکان نیز در عراق با حکومت برآمده از اکثریت همکاری نمی‌کند.	۳. سیاست همزمان ائتلاف علیه داعش و کمک تسلیحاتی و مالی به آن ثابت می‌کند که آمریکا به‌طور تمام‌قد این سناریو را با هدف نهایی تجزیه دنبال می‌کند.	۳. آمریکا و اسرائیل و کشورهای غربی جنگ داخلی را مقدمه‌ای برای پیاده‌سازی این سناریو می‌دانند.		۳. آمریکان نیز در عراق با حکومت برآمده از اکثریت همکاری نمی‌کند.		۳. آمریکا و اسرائیل و کشورهای غربی جنگ داخلی را مقدمه‌ای برای پیاده‌سازی این سناریو می‌دانند.
	شیعیان عراقی و ایران	آمریکا، سنی‌های عراقی، عربستان	اسرائیل، آمریکا				

(خسبانی، ۱۳۹۱: ۱۳۰)

بنابراین به دلیل طراحی نقشه رژیم صهیونیستی و آمریکا مبنی بر تجزیه عراق، از این رو در حال حاضر عراق واحد که مطابق قواعد دموکراسی و بر مبنای مردم‌سالاری، طبیعتاً

قدرت در اختیار اکثریت شیعه قرار گیرد، موجب افزایش اقتدار منطقه‌ای شیعه در جهان اسلام و تقویت محور مقاومت خواهد شد (قربانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵).

از نگاه ایدئولوژیک نیز با تشکیل اقلیم سنی در غرب عراق، علاوه بر اینکه تأثیر منفی بر امنیت مراکز مقدسه شیعی در غرب عراق (امامین عسکریین در سامراء) خواهد داشت، خط ارتباط مقاومت شیعی از کربلا تا قدس، قطع و آزادی فلسطین دشوار خواهد شد؛ ضمن این که محور مواصلاتی شیعه ایران و عراق برای کمک به شیعیان منطقه شام (حزب الله لبنان و گروه‌های جهادی فلسطین) مسدود شده و نیز خطر سقوط دولت حامی محور مقاومت در دمشق نیز افزایش می‌یابد (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

نتیجه‌گیری

موضوعی که در آینده پژوهی مهدوی نیز به وضوح می‌توان به کدهایی از آن دست یافت. از جمله در کتاب معتبر الغیبه شیخ طوسی به وقوع فتنه در غرب عراق تصریح شده است: (خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمیِّ بِأَرْضِ الْجَزیرَةِ وَ یَکُونُ مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ ... ثُمَّ یَخْرُجُ السُّفَیانی (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۴۴). بدین معنا که متاسفانه با وقوع فتنه غرب عراق در موصل و تکریت، و قطع محور مواصلاتی مقاومت شیعی، در آینده زمینه برای حضور نظامی سفیانی و تسلط بر دمشق و سقوط حکومت سوریه فراهم می‌شود.

علاوه بر اینکه حوادث غرب عراق، مطالبات تجزیه طلبانه در جغرافیای کشورهای نقش آفرین در بلدان ظهور را قوت خواهد بخشید که داعیه استقلال مارقه الشام (آرزوی استقلال کردهای سوریه) در احادیث معتبر، نیز شاهی بر این امر خواهد بود؛ در واقع نقشه استکبار چنین است با قطع محور مواصلاتی زمینه سازان ظهور از کوفه تا قدس از حرکت جبهه حق برای آزادی فلسطین ممانعت شود، زیرا در اینصورت، مرزهای غرب عراق و شرق سوریه کاملاً در اختیار دشمنان قرار خواهد گرفت.

۱. در خلال حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور، به واقعه "مارقه الشام" اشاره شده است: مَارِقَةُ تَمَرُقُ مِنْ نَاحِیَةِ التُّرُک (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۸۰)؛ المارقة: الخارجین (ثعالبی، ۱۴۱۴ هـ ق: ۳۵۷) المروق عن الشیء: الخروج منه (ابن منظور، ۱۴۲۳ هـ ق:)، مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِیَةِ: وقتی تیر از کمان خارج می‌شود، به گونه‌ای که دیگر به آن تعلق ندارد را گویند (ابن عباد، ۱۴۱۴ هـ ق: ۴۱۶). الناحیه: الجانب (فیومی، ۱۴۱۴ هـ ق: ۵۹۶)، الناحیه: الجهته (طریحی، ۱۳۷۵: ۳۵۹)، من ناحیه التُّرُک: ای من جهته التُّرُک. مَارِقَةُ الشَّام تَخْرُجُ مِنْ جِهَةِ التُّرُک = خروج مَارِقَةُ از سمت ترک‌ها. بنابراین "مَارِقَةُ تَمَرُقُ مِنْ نَاحِیَةِ التُّرُک" یعنی ساکنان ناحیه هم‌مرز با ترک‌ها در منطقه شام خروج خواهند کرد همچون جدا شدن تیر از کمان (مَرَقَ السَّهْمُ مِنَ الرِّمِیَةِ) که گویا دیگر به آن تعلق ندارد که در عصر معاصر، نمونه بارز "مارقه الشام" اگر تا زمان ظهور باقی بمانند "آرزوی استقلال کردهای سوریه" در منطقه شام می‌باشد (امیری، ۱۳۹۸: ص ۳۴۷-۳۶۸).

از همین رو، رژیم غاصب صهیونیستی نیز از ایده تجزیه عراق، به شدت حمایت می‌کند (Williams & Matthew, 2008: 191) زیرا به گفته خانم کرولین کلیک معاون سردبیر نشریه مشهور جزورالم پست اسرائیل، محور اصلی بالکانیسم جهان اسلام با تجزیه عراق خواهد بود (www.jpost.com) و نیز به گفته نشریه اسرائیلی هارتز، تجزیه عراق به منزله اسلحه‌ای برای کنترل خاورمیانه و مهار کشورهای اسلامی محسوب می‌شود (www.haaretz.com).

از این رو، آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی بعد از تجربه خودمختاری‌گردها، اکنون تمرکز و تلاش خویش را بر روی غرب عراق و شکل‌گیری گارد ملی اهل سنت عراق به هدف تجزیه این کشور متمرکز کرده‌اند (خسروی، ۱۳۹۸: ۱۷۶) که این امر ابتدا با ایجاد جنگ داخلی، فتنه و آشوب در مناطق شیعه‌نشین عراق، توجه‌ها را از مناطق سنی‌نشین عراق دور کرده و آنگاه سناریوی تجزیه در غرب عراق هموارتر خواهد شد.

حال اگر این ایده اقلیم سنی در مناطق سنی‌نشین عراق تحقق یابد، دمی‌نوی تجزیه کشورهای منطقه وارد مرحله خطرناک شده و به تبع آن سوریه و سپس ایران در خطر تجزیه قرار می‌گیرد. خواب آشفته‌ای که هرچند دشمنان در تلاش برای تحقق آن در بخش‌هایی از مناطق سنی‌نشین عراق (فتنه عوف سلمی)^۱ و کردنشین سوریه (مارقه الشام)^۲ هستند لکن در ایران اسلامی، هرگز محقق نخواهند شد بلکه با سیاست بازدارنده ایران طبق احادیث با ورود قدرتمند سپاه زمینه‌ساز به عراق برای دفاع از محور مقاومت و جبهه مقدم شیعی در برابر لشکر متجاوز خارجی (لشکر سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای بازه زمانی کمتر از ۲ سال است)^۳ که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند)^۴ و شکست سختی که بر آن در عراق وارد خواهد شد^۵، زنجیره مثلی

۱. خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمِيِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ يَكُونُ مَأْوَاهُ تَكْرِيتَ (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۴۴)

۲. مَارَقَةُ تَمَرُوقٍ مِنْ نَاجِيَةِ التُّزُكِ (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۸۰)

۳. سفیانی، مورد حمایت غربی‌ها: یَقْبِلُ السُّفْيَانِيُّ مِنْ بِلَادِ الرُّومِ مُنْتَصِرًا فِي عُنُقِهِ صَلِيبُ (طوسی، الغیبه، ص ۴۶۳). در بازه زمانی کمتر از ۲ سال بر دمشق و سایر مناطق مورد منازعه در فتنه شام مسلط خواهد شد: السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُخْتِومِ ... وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۳۰۰).

۴. سفیانی، اسم رمز حاکم موقت منطقه شام در عصر ظهور برای یک بازه زمانی کمتر از ۲ سال است که علاوه بر تسلط بر سوریه، به عراق حمله نظامی می‌کند. ضمن اینکه برای حمایت از حاکمان همپیمان خویش در عربستان نیز نیروی نظامی اعزام می‌کند (کورانی، ۱۴۳۶ هـ ق: ۳۸۰).

۵. در احادیث به شکست سفیانی به عنوان نماینده ائتلاف مثلی "غربی، عبری و عربی" اشاره شده است: يَدْخُلُ السُّفْيَانِيُّ الْكُوفَةَ ... وَ تُقْبَلُ الرِّايَاتُ السُّودُ حَتَّى تَنْزِلَ عَلَى الْمَاءِ (در روایت تفسیر عیاشی، به "ساحل

غربی، عبری و عربی در منطقه گسسته خواهد شد و شکست‌های دیگر جبهه استکبار یکی پس از دیگری رقم خواهد خورد. و حتی حضور نظامی غربی‌ها که قبل از آن برای حمایت از یهودیان اسرائیلی ساکن فلسطین اشغالی وارد خاورمیانه شده‌اند، نیز کاری از پیش نخواهد برد^۱ و در جنگ با زمینه‌سازان ظهور امام عصر، شکست سختی بر یهود و حامیان رومی‌شان وارد خواهد شد^۲ و بدین ترتیب خاورمیانه اسلام به جای خاورمیانه جدید آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی رقم خواهد خورد.

خاتمه

پافشاری آمریکا بر اجرای فدرالیسم در عراق و نیز حمایت جدی اسرائیل از آن، در واقع مقدمه‌ای برای تجزیه عراق است. آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی با تجزیه عراق - به عنوان مهم‌ترین گزینه در راستای بالکانیزه کردن غرب آسیا - نگاه می‌کنند که به بهترین شکل ممکن می‌تواند قدرت منطقه‌ای محور شیعی را محدود ساخته، اتصال ژئوپلیتیکی جبهه مقاومت را در هم بشکند و حتی مرزهای کشورهای شیعی را دچار تهدیدات نظامی سازد. موضوعی که در آینده پژوهی مهدوی نیز به وضوح می‌توان به کدهایی از آن دست

دجله "تعبیر شده است: وَ يَقِيلُ رَايَةً مِنْ خُرَاسَانَ حَتَّى يَنْزِلَ سَاحِلَ الدَّخْلَةِ (عیاشی، ۱۳۸۰ هـ ق: ۶۴) { قَيْلُغُ مَنْ بِالْكُوفَةِ مِنْ أَصْحَابِ الشُّفْيَانِي يُزَوِّلُهُمْ فِيهِمْ يَوْمَ ... وَ تُبْعَثُ الرَّايَاتُ السُّودُ بِالْبَيْعَةِ إِلَى الْمَهْدِيِّ (سیوطی، ۱۳۸۵: ۱۲۰-۱۲۱)؛ تَهْرُطُ حَيْلُ الشُّفْيَانِي (متقی هندی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۵۸۸)؛ وَإِذَا هَزَمَتِ الرَّايَاتُ السُّودُ حَيْلُ الشُّفْيَانِي ... تَمْنَى النَّاسِ الْمَهْدِي فَيَطْلُبُونَهُ (همان: ۵۹۰)؛ الشُّفْيَانِي ... فَيَبْعَثُ جَيْشًا إِلَى الْعِرَاقِ ... عِنْدَ ذَلِكَ تَخْرُجُ رَايَةً مِنْ الْمَشْرِقِ ... فَيَسْتَنْقِذُ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنْ سَبِي أَهْلِ الْكُوفَةِ وَ يَقْتُلُهُمْ (دانی، ۱۴۱۶ هـ ق: ۲۶۸)؛ در تفسیر مجمع‌البیان نیز به شکست لشکر نظامی سفیانی تصریح شده است: الشُّفْيَانِي ... فَيَبْعَثُ ... جَيْشًا ... حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِينَةِ الْمَلْعُونَةِ بِغَيْبِ بَغْدَادَ ... ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرَبُونَ مَا حَوْلَهَا ... فَتَخْرُجُ رَايَةُ هُدًى مِنَ الْكُوفَةِ فَتَلْحَقُ ذَلِكَ الْجَيْشَ فَيَقْتُلُونَهُمْ ... وَ يَسْتَنْقِذُونَ مَا فِي أَيْدِيهِمْ مِنَ السَّبْيِ وَ الْغَنَائِمِ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق: ۱۸۶)

۱. آخرین علامت قبل از خروج سفیانی، ورود نظامیان غربی‌ها به صحنه تحولات فتنه شام با حضور نظامی در منطقه رمله (نزدیک بیت المقدس) در فلسطین است: سَيَقِيلُ مَارِقَةَ الرُّومِ حَتَّى يَنْزِلُوا الرَّمْلَةَ (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۸۰)؛ الرَّمْلَةُ: هِيَ كُورَةُ مِنْ فِلَسْطِينَ وَ كَانَتْ دَارَ مَلِكِ دَاوُدَ وَ سَلِيمَانَ، بَيْنَهَا وَ بَيْنَ الْبَيْتِ الْمَقْدَسِ ثَمَانِيَةُ عَشَرَ يَوْمًا (حموی، ۱۹۹۵ م: ۶۹)؛ الرَّمْلَةُ: مَدِينَةُ تَقَعُ وَسْطَ فِلَسْطِينَ إِلَى الْجَنُوبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ تَلِ أَيْبِ (قرچانلو، ۱۳۸۰: ۱۱۷-۱۱۸)؛ از اینرو رمله در فلسطین مراد می‌باشد. همانطور که در حدیث دیگری در الغیبه طوسی، به صراحت به حضور نظامیان رومی در فلسطین قبل از خروج سفیانی تصریح شده است: تَنْزِلُ الرُّومِ فِلَسْطِينَ (طوسی، ۱۴۲۵ هـ ق: ۴۶۳).

۲. در قرآن و احادیث به جنگ محور مقاومت شیعی با اسرائیل قبل از ظهور اشاره شده است: وَ قَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ ... فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا ... بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَى بَاسٍ يُدْهِدُ فَجَاشُوا خِلَالَ الدِّيَارِ (سوره اسراء، آیه ۵-۴). قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ فَلَا يَدْعُونَ وَثْرًا لَأَلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۶۳) که به قرینه عبارت "قتلایم شهداء" در حدیث انقلاب مشرق زمین قبل از ظهور (نعمانی، ۱۳۹۷ هـ ق: ۲۷۳) و نیز به ضمیمه حدیث معرفی "اهل قم" به عنوان هویت ایرانی مجازات کنندگان یهود: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ... فَقُلْنَا جُعِلْنَا فِدَاكَ مِنْ هَؤُلَاءِ فَقَالَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ هُمْ وَ اللَّهُ أَهْلُ قُمْ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ ق: ۲۱۶)، عقوبت اول یهود قبل از ظهور توسط ایرانیان شیعی رخ خواهد داد (پورسیدآقایی، ۱۳۹۷: ۲۶)

یافت. از جمله در کتاب معتبر الغیبه شیخ طوسی به وقوع فتنه در مناطق سنی نشین عراق تصریح شده است: (خُرُوجُ عَوْفِ السُّلَمِیِّ بِأَرْضِ الْجَزِيرَةِ وَ یَکُونُ مَأْوَاهُ تَکْرِیْتُ... ثُمَّ یَخْرُجُ السُّفْیَانِیُّ)؛ لکن قبل از ظهور با ورود قدرتمند سپاه زمینه ساز به عراق برای دفاع از محور مقاومت و جبهه مقدم شیعی در برابر لشکر متجاوز و شکست سختی که بر آن در عراق وارد خواهد شد، زنجیره مثلث غربی، عبری و عربی در منطقه، گسسته خواهد شد.

منابع

- آیتی، نصرت‌الله (۱۳۹۰): **تأملی در نشانه‌های حتمی ظهور**، قم: مؤسسه آینده روشن، چاپ اول.
- (۱۳۹۸): **چالش غفلت از آرمان مهدویت**، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹، ۱۳۹۸ ش.
- ابن اثیر، محمد بن مبارک (۱۳۶۷): **النهایه فی غریب الحدیث**، تحقیق: محمود محمد طناحی، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- ابن عبّاد، اسماعیل (۱۴۱۴ ه ق): **المحیط فی اللغة**، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، بیروت: عالم الکتاب، چاپ اول.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶): **کامل الزیارات**، تحقیق: عبدالحسین امینی، نجف: دارالمرتضویه، چاپ اول.
- ابن مزاحم، نصر (۱۴۰۴ ه ق): **وقعه صفین**، تحقیق: عبدالسلام محمد هاورن، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی، چاپ دوم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۳ ه ق): **لسان العرب**، بیروت: دارالفکر، چاپ سوم.
- احمدی کجایی، مجید (۱۳۹۳): **تحلیل بسترشناسانه کتاب الغیبه شیخ طوسی**، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۱۰.
- اخوان کاظمی، مسعود (۱۳۹۷): **تحلیل رابطه اسرائیل و کردستان عراق و پیامدهای امنیتی آن برای جمهوری اسلامی ایران**، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ش ۲۷، ۱۳۹۷ ش.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۳): **بررسی سناریوی تجزیه عراق از منظر متغیرهای داخلی**، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی، ش ۱۸، ۱۳۹۳ ش.
- اسلامی، مسعود (۱۳۹۳): **چالش‌های تجزیه عراق**، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ش ۱۰، ۱۳۹۳ ش.
- اکبری، حسین (۱۳۸۸): **بحران حاکمیت در عراق**، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، چاپ اول.
- امیری، مصطفی (۱۳۹۸): **بررسی و تحلیل حوادث فتنه شام و سوریه قبل از ظهور**، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۹.
- پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۹۷): **نقش ایرانیان در عصر ظهور**، فصلنامه پژوهش‌های مهدوی، ش ۲۵، ۱۳۹۷ ش.
- پورقیومی، ایوب (۱۳۸۶): **طرح خاورمیانه جدید اهداف چالش‌ها و موانع**، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۶۱، ۱۳۸۶ ش.
- پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۶): **سنت پژوهی رویکردی نوین به آینده پژوهی مهدویت**، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴۴.
- تبریزی، زینب (۱۳۹۴): **نقش گروه‌های تکفیری تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت اسرائیل**، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ش ۴۱، ۱۳۹۴ ش.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (۱۴۱۴ ه ق): **فقه اللغة**، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.

- جهانگیری، رضا (۱۳۹۸)؛ **واکاوی منافع رژیم صهیونیستی در شکل گیری یا عدم شکل گیری کردستان بزرگ**، فصلنامه آفاق علوم انسانی، ش ۲۸، ۱۳۹۸ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ه ق)؛ **اثبات الهداة**، بیروت: اعلمی، چاپ اول.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۹۹۵ م)؛ **معجم البلدان**، بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
- خسانی، احسان (۱۳۹۱)؛ **بررسی سناریوهای تجزیه عراق**، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی.
- خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰)؛ **چشم انداز آینده عراق**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- خسروی، ملک تاج (۱۳۹۸)؛ **آینده عراق و سناریوهای مربوط به آن**، فصلنامه روابط بین الملل، ش ۴۶، ۱۳۹۸ ش.
- دانی، عثمان بن سعید (۱۴۱۶ ه ق)؛ **السنن الواردة فی الفتن**، تحقیق: ضاء الله بن محمد المبارکفوری، ریاض: دار العاصمه، چاپ اول.
- ری شهری، محمد (۱۳۹۳)؛ **دانشنامه امام مهدی**، قم: دارالحدیث، چاپ اول.
- زارع مهرآبادی، محمد (۱۳۹۴)؛ **فدرالیسم و فرهنگ سیاسی در عراق**، فصلنامه روابط خارجی، ش ۲۵، ۱۳۹۴ ش.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ابی بکر (۱۳۸۵)؛ **العرف الوردی**، تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)؛ **مجمع البیان**، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طبسی، نجم الدین (۱۳۹۰)؛ **درس خارج مهدویت**، قم: مرکز تخصصی مهدویت، بی تا.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)؛ **مجمع البحرين**، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ ه ق)؛ **الغیبه**، تحقیق: عبادالله طهرانی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ سوم.
- عبداللهمیان، امیرحسین (۱۳۸۸)؛ **موافقت نامه امنیتی بغداد واشنگتن رفتارشناسی آمریکا در عراق جدید**، فصلنامه سیاست خارجی، ش ۸۸، ۱۳۸۸ ش.
- عزتی، عزت اله (۱۳۹۰)؛ **بررسی تغییر ساختار سیاسی عراق از متمرکز به فدرالیسم و اثرات آن بر امنیت ملی ایران**، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ش ۲۹، ۱۳۹۰ ش.
- علی الصغیر، جلال الدین (۱۴۳۳ ه ق)؛ **علامات الظهور بحث فی فقه الدلاله والسلوک**، بیروت: دارالاعراف للدراسات، چاپ اول.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ ه ق)؛ **التفسیر**، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعه العلمیه، چاپ اول.
- فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ ه ق)؛ **المصباح المنیر**، قم: هجرت، چاپ دوم.
- قربانی، سعید (۱۳۹۵)؛ **آینده پژوهی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بستر تحولات ژئوپلیتیکی تمامیت ارضی و بحران های داخلی عراق**، فصلنامه سیاست دفاعی، ش ۹۷، ۱۳۹۵ ش.
- قربانی، سعید (۱۳۹۵)؛ **بررسی تأثیر بینش های آخرالزمانی مسیحیان صهیونیست در تدوین راهبردهای ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه**، فصلنامه مطالعات منطقه ای، ش ۶۲، ۱۳۹۵ ش.

- قربانی، سعید (۱۳۹۵)، تأملات آینده پژوهانه در آرمان شهر مهدوی تبیین کارکردهای آینده پژوهانه مهدویت، فصلنامه آینده پژوهی ایران، ش ۱، ۱۳۹۵ ش.
- قرچانلو، حسین (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخی کشورهای اسلامی، تهران: سمت، چاپ اول.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳)، تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، چاپ سوم.
- قنبری، محسن (۱۳۸۶)، همگرایی مهدویت باورانه در مصاف با واگرایی طرح خاورمیانه بزرگ، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴، ۱۳۸۶ ش.
- کارگر، رحیم (۱۳۸۸)، آینده پژوهی مهدوی، فصلنامه انتظار، ش ۲۸، ۱۳۸۸ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه ق)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
- کورانی، علی (۱۴۳۶ ه ق)، المعجم الموضوعی لإحادیث الإمام المهدی، قم: دارالمعرف، چاپ ششم.
- گارودی، روزه (۱۳۷۷)، اسطوره‌های بنیانگذار سیاست اسرائیل، ترجمه: حمیدرضا آریز، تهران: گوهرشاد، چاپ اول.
- متقی هندی، علی بن حسام الدین (۱۳۹۷ ه ق)، کنز العمال، تصحیح: صفوه السقا، بیروت: مکتبه التراث الاسلامی، چاپ اول.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم.
- مرادی، جهانبخش (۱۳۹۰)، بررسی فدرالیسم در عراق از لحاظ سطح تحلیل منطقه‌ای، فصلنامه علوم سیاسی، ش ۱۷.
- مرادی، جهانبخش (۱۳۹۰)، معضلات فدرالیسم در عراق، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، ش ۷.
- مسعودنیا، حسین (۱۳۹۵)، فدرالیسم و مثلث قدرت شیعیان کردها و سنی‌ها در ساختار سیاسی عراق نوین، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، ش ۱۹، ۱۳۹۵ ش.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه ق)، الإرشاد، قم: کنگره شیخ مفید، چاپ اول.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ه ق)، الغیبه، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق، چاپ اول.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۷۷)، نظریه‌های کلان و روابط بین الملل، تهران: قومس، چاپ اول.
- Williams, Paul R & Matthew T. Simpson (2008), Rethinking The Political Future: An Alternative to The Ethno- Sectarian Division of Iraq, American International Law Review.
- Wigoder, Geoffrey (2004), The Student's Encyclopedia of Judaism, New York and London: New York University Press.
- Zeino-Mahmalat, Ellinor (2012), Saudi Arabia's and Iran's Iraq Policies in the Post-Gulf War Era, Thesis for the degree of Doctor of Philosophy, University of Hamburg.
- Eisenstadt, Michael & Michael Knights, & Ahmed Ali (2011), Iran's Influence in Iraq, Washington Institute for Near East Policy Focus.